

در بیست‌وهفتمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای خانه هنرمندان ایران مطرح شد

«دیوار چهارم»؛ روایتی از متفاوت‌ترین نمایش امیررضا کوهستانی

بیست‌وهفتمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم‌تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینماتک خانه هنرمندان ایران، به نمایش فیلم‌تئاتر «دیوار چهارم» اختصاص داشت. پس از نمایش این فیلم‌تئاتر، نشست نقد و بررسی آن با حضور عباس غفاری (میزبان) و فرزانه ابراهیم‌زاده (منتقد تئاتر) برگزار شد.

نمایش «دیوار چهارم» امیررضا کوهستانی برداشتی آزاد از نمایش‌نامه «انگلستان» اثر تیم کروچ است که با اجازه رسمی از سوی نویسنده مورد بازنویسی قرار گرفته است. این تئاتر تعاملی با بازی رامبد جوان و نگار جواهریان روی صحنه رفته است.

دیوار چهارم در اصطلاح تئاتری‌ها دیواری فرضی است که میان بازیگران و تماشاگران کشیده می‌شود و زمانی این دیوار می‌شکند که فاصله بین تماشاگران و بازیگران از میان برود و تماشاگران نیز وارد جریان بازی شوند. اما شکسته‌شدن این دیوار همه داستان دیوار چهارم امیررضا کوهستانی نیست. داستان دیوار چهارم کوهستانی از یک سکوت طولانی داخل گالری اگو شروع می‌شود.

دیوار چهارم داستان یک زوج آلمانی- ایرانی‌ا است، مرد آلمانی‌تبار نمایشگاه‌گردان است و زن ایرانی در انتظار قلبی که احتمالاً از ایران برسد. تمام نمایش لحظه‌های بازی بازیگران در کنار تماشاچیان در فضایی کاملا رئال بدون هیچ دکور و حتی تمهید نوری است. تماشاگران تا لحظه پایان نمایش همراه بازیگران مسیر بازی را طی می‌کنند.

عباس غفاری در این نشست گفت: همان مقدار که در جهان عباس کیارستمی و اصغر فرهادی در سینما و آتیلا پسیانی در تئاتر دارای شهرت هستند، امیررضا کوهستانی نیز به همان اندازه شهرت دارد و دارای احترام بین‌المللی است. «دیوار چهارم» یکی از بهترین آثار امیررضا کوهستانی است که سال ۱۳۹۱ در تالار شمس اجرا شد.

فرزانه ابراهیم‌زاده در این نشست گفت: امیررضا کوهستانی در هر اجرای خود تجربه متفاوتی را برای ما ایجاد می‌کند، اما دیوار چهارم، متفاوت‌ترین نمایش او است؛ زیرا دو رویکرد متفاوت دارد. همان‌طور که می‌دانید، دیوار چهارم، دیواری فرضی است که میان بازیگران و تماشاگران قرار دارد. کوهستانی در پاره اول نمایش، این دیوار را می‌شکند. این شکستن دیوار چهارم در بخش اول نمایش، چیزی بود که برای تماشاگر سال ۹۱ بسیار عجیب‌وغریب بود.

در پاره دوم نمایش که تا ۲۰ دقیقه بود، می‌آید و آن دیوار چهارم را تنها بین خود و تماشاگر بلکه بین خود و بازیگری که ما او را نمی‌بینیم اما حضور دارد، ایجاد می‌کند. ما فقط صدای او را می‌شنویم. درواقع در این بخش، دیوار چهارم دومی بین بازیگران خود می‌گذارد. این از کارهای عجیبی بود که فکر می‌کنم تنها از کارگردانی همچون کوهستانی برمی‌آمد. او افزود: البته این شیوه در ایران اتفاق عجیبی نبوده است. اگر اشتباه نکنم در شمال ۴۹-۵۰ آقای آریب آوانسافین نمایش باغ آلبالو را با همین شکل و شمایل روی صحنه می‌برد، اما بعد از آن شخصا به یاد ندارم کسی این‌گونه دیوار چهارم را شکسته باشد. البته فکر می‌کنم امیر عظیمی نیز یک مرتبه دیگر این کار را انجام داد. این اتفاق کار دشواری است، اما شما را به‌عنوان مخاطب با اجرا همراه می‌کند. دیوار چهارم ازجمله کارهایی است که آدم‌ها وقتی از نزدیک کارها را می‌بینند، اثرگذاری نمایش پرایشان بسیار متفاوت‌تر از چیزی است که در فیلم و تصویر دیده می‌شود. روزی که خودم این کار را دیدم، تجربه متفاوتی را سپری کردم. این نمایش ازجمله کارهایی است که تا سال‌ها با مخاطب خود همراه بوده است. حداقل برای شخص من و بسیاری از افرادی که می‌شناسم به این صورت بوده است.

عباس غفاری در ادامه بیان کرد: البته پیش از این اثر، آتیلا پسیانی در تجربه‌ای که در موزه هنرهای معاصر داشت و همین‌طور بعدها محمد رحمانیان، ازوند دشت‌آرای، حمید پورآذری و علی اصغر دشتی نیز این سبک را تجربه کرده بودند.

خبر

«پیرپسر» از لندن به آلمان می‌رود

ایسنا: فیلم سینمایی «پیرپسر» ساخته اکتای براهنی در تازه‌ترین حضور بین‌المللی خود در بیست‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم لندن‌بریز انگلیس به نمایش درخواهد آمد. این فیلم همچنین در بخش سینمای جهان جشنواره بین‌المللی فیلم اِسکِراند آلمان در کنار دیگر آثار سینمایی نمایش داده می‌شود. جشنواره فیلم لندن‌بریز هرساله در ماه مهر و جشنواره اِسکِراند آلمان در آبان و در شهر ویسبادن برگزار می‌شود.

دومین ساخته اکتای براهنی به تهیه‌کنندگی بابک حمیدیان و حنیف سروری و سرمایه‌گذاری ارسلان براهنی و امیرحسین عبدالعلی پیش‌تر برنده جایزه برده بزرگ بهترین فیلم از پنجاه‌وسومین دوره جشنواره فیلم روتردام شده و در جشنواره فیلم ترانسیلوانیا رومانی نیز به‌عنوان بهترین پرورفمنس و اجرای بازیگران مورد تحسین قرار گرفته است.

همچنین حسن پورشیرازی برای بازی در این فیلم سینمایی جایزه بهترین بازیگر مرد بیست‌وسومین دوره جشنواره فیلم ترانسیلوانیا رومانی را از آن خود کرده است. این فیلم همچنین برنده جایزه بهترین فیلم بخش «سینمای جهان» در جشنواره گالوی ایرلند نیز شده است.

حامد بهداد، لیلیا حتمی، محمد ولی‌زادگان و حسن پورشیرازی بازیگران اصلی فیلم سینمایی «پیرپسر» هستند و همچنین محمدرضا داوودنژاد، فهیمه رحیم‌نیا، علی رحیمی، مینم غنی‌زاده، مهسا باقری، مهری کاظمی، هزیر سام، وحید رحمتی و… نیز در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

پخش بین‌الملل این فیلم بر عهده کمپانی پخش هفت‌چشمه با مدیریت میلاد خسروی است.



اگر دست همراهی کند و ابزار کتابت به کمال مهیا باشد، می‌توان برگ کاغذی سفید را به اثری نفیس و کران‌بها تبدیل کرد تا سرمایه جاودان و سندن هویت ملی ایرانیان شود. چنان‌که در نگارخانه‌ها و موزه‌های جهان آثاری از این دست خودنمایی می‌کنند. به لطف خدا و همت بلند هنرمندان ایسن مُلک پرفراز‌نشینب، از سده‌های دور تا روزگار ما، بازار خطاطی و خوشنویسی و کتابت و کتبیبه‌نگاری و کتاب‌آزایی، در میان شهریاران و مردمان بیرونق و به‌رهور و مایه فخر بوده است. هنرمندان خوشنویس، اگرچه بسیار پستی و بلندی آزموده‌اند و رنج و حسرت برده‌اند و از روزگار نامهربانی دیده‌اند، اما دلدادگان عشق، حکمت و زیبایی هیچ‌گاه از عهد و پیمان خود دست‌نسته‌اند تا چراغ این هنر همچنان بی‌فروغ بماند و روشن‌بخش تاریکی‌ها باشد. بر اهل نظر پوشیده نیست که کار هنر و هنرمند، خلق زیبایی و حرکت به سمت نور و آگاهی است. سراسری خوشنویسی نیز همچون هنرهای دیگر پاره برده دارد و در هر پرده‌ای کرشمه‌های پنهان. گاهی شعر حافظ جامه نستعلیق می‌پوشد و گاه آیات نورانی قرآن به خط ثلث، نسخ، محقق و ریحان آراسته‌تر می‌شوند. گاهی هنرمند با رندی و تدبیر، سخنی یا واژگانی نغز و پرمترا را از لابه‌لای دیوان‌ها و صحیفه‌ها بیرون می‌کشد و با خط خوش در انظار مردمان می‌نهد تا چراغ دانایی روشن بماند. خوشنویسی در مرکز سپهر هنرهای ایرانی قرار گرفته و شاخه‌هایش عَشَق‌هوار بر تاروپود هنر ایران تنیده است. از کارگاه‌های کتابت تا کتبیبه‌نویسی، از سنگ‌نبشته تا سفالینه‌ها، از حک‌نگاری تا پارچه‌نویسی و از بنرهای تبلیغاتی و پوسترهای مدرن تا دیوار نگارخانه‌های نو و تا بازار حراج تهران؛ از هنرهای تجسمی معاصر آثار چندرسانه‌ای، هیچ‌یک از جلوه‌گری و گشایش‌گری آثار خوشنویسی بی‌بهره نیستند. چنین هنر اصیل و کارآمدی با قلم‌روی وسیع و ظرفیتی منحصر‌به‌فرد شایان توجه و پاسداشت و پالایش و مراقبت و تدبیر است. از انتخاب و نام‌گذاری بیست‌ویکم مهرماه به‌عنوان «روز ملی خوشنویسی» سه سال گذشت، اما هنوز در تقویم رسمی کشور ثبت نشده و قدر و منزلتش چنانچه باید و شناسه هویت ملی بازتاب در خوری در رسانه‌ها نداشته است. صداسومبا به گزارش کوتاه و مختصر بسنده کرده و سازمان‌های رسمی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر، انجمن خوشنویسان، موزه خوشنویسی، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات نیز با برنامه مدون و مناسبی ندارند یا بسیار کم‌فروغ ظاهر شده‌اند. حوالی که خوشنویسی به‌عنوان هنری چندرارساله و شناسه هویت ملی ایرانیان، سزوار و برنامه‌ریزی برای بازشناسی، به‌روزرسانی و تبیین از ابعاد مختلف تاریخی، ادبی، زیباشناسی، سبک‌شناسی، تجسمی، فناوری و آموزشی و دیگر ابعاد فرهنگی و هنری است.

نگاهی به پیشینه‌نام‌گذاری

در زیرنویس صفحه ۲۶ کتاب «پنجاه سال با دکتر مهدی بیانی» نوشته آقای دکتر قلیچ‌خانی، از زبان استاد غلامحسین امیرخانی در مصاحبه با وبگاه مهرنیوز آمده: «دکتر بیانی در سال ۲۹ شمسی در ۲۱ مهرماه کلاس‌هایی را در حوزه آموزش خوشنویسی پایه‌گذاری کردند که گرچه نامش انجمن نبود، اما اسمال که ما



روز ملی خوشنویسی

میراث ماندگار ایرانیان



دکترمهدی مکی‌نژاد

دانشیار و عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر

در شصت‌وهفتمین سال تأسیس انجمن هستیم، این شکل‌گیری را مدیون دکتر بیانی می‌دانیم و برای همین تصمیم گرفتیم این روز را روز ملی خوشنویسی نام‌گذاری کنیم». مطابق نامه‌نگاری‌های رسمی انجمن خوشنویسان با شورای عالی انقلاب فرهنگی، درخواست ثبت روز ملی خوشنویسی در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۴ کارگروه بررسی پیشنهادهای نام، ارای روزها و مناسبت‌های خاص و جلسه ۷۵۳ شورای فرهنگ عمومی کشور مطرح می‌شود و روز ۲۱ مهرماه، هم‌زمان با سالروز بنیان‌گذاری انجمن خوشنویسان ایران در سال ۱۳۲۹، با عنوان «روز خوشنویسی» به تصویب می‌رسد. این طرح منتظر تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی است تا در تقویم رسمی کشور درج شود که تاکنون هنوز تعیین وقت نشده است. بنا بر درخواست دولت ایران، در تاریخ شانزدهم دسامبر سال ۲۰۲۱، مطابق با بیست‌وششم آذرماه سال ۱۴۰۰ شمسی، پرونده «برنامه ملی پاسنداری از هنر سنتی خوشنویسی در ایران» به‌عنوان هفدهمین میراث فرهنگی ناملموس ایران در فهرست میراث جهانی سازمان یونسکو به ثبت رسیده است. مطابق مصوبه شورای فرهنگ عمومی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، انجمن خوشنویسان ایران در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۸ ثبت «روز ملی خوشنویسی» را به تمام شعب این انجمن، اطلاع‌رسانی می‌کند تا هرساله این روز و هفته گرامی داشته شود. ظاهراً تاکنون هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی اقدامی برای نام‌گذاری و ثبت این روز در سطح جهانی نکرده‌اند. اخیراً ۱۰ آگوست روز جهانی خوشنویسی نامیده شده است. بر اساس جست‌وجو در وبگاه‌ها مشخص شد که این نام‌گذاری در سال ۲۰۱۷ توسط یک شرکت بریتانیایی (سازنده تجهیزات و لوازم خوشنویسی و نوشت‌افزار) نام‌گذاری شده و در تقویم یونسکو هیچ روزی به نام روز خوشنویسی درج نشده است.

پیشنهاده‌ا:

نگارنده، به‌عنوان کمترین هنرمندان و هنرجویان خوشنویسی، امید دارد که اولاً در مناسبت نام‌گذاری این روز تجدیدنظر کنند و درتالی کارگزاران فرهنگی توجه ویژه‌ای به این روز داشته باشند و با تدابیر مناسب، این روز مهم را بآ رویدادهای درخور و ملی برجسته کنند. کمترین کاری که به بهانه این روز و این هفته می‌توان کرد، نمایش عمومی آثار گران‌سنگ خوشنویسان قدیم و جدید و پاسداشت هنرمندان خوشنویس است. برخی از تدابیر و اقداماتی که می‌توان در راستای ارچ‌نهادهن به جایگاه هنر خوشنویسی و مقام هنرمندان خوشنویس در این روز و هفته به انجام رساند، به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:
در تاریخ پرافتخار ایران‌زمین، هنرمندان



سرآمد و استادان خوشنویس بزرگی ظهور کرده‌اند که ازجمله آنان می‌توان به ابن‌مقله، ابن‌یوباق، یاقوت مستعصمی، یابنسغرمینرزا، احمد نیریزی، سلطاطعلی مشهدی، میرعصاد، میرزاغلامرضا اصفهانی، کلهر، عمادالکتاب و… اشاره کرد. هرکدام از این هنرمندان سهمی در ارتقای هنر خوشنویسی داشته‌اند و می‌توانند بهانه‌ای برای نام‌گذاری این روز مهم باشند. خوشبختانه در رسالات و اسناد تاریخی، مستندات کافی از این هنرمندان بر جای مانده که می‌تواند راه را برای تدوین پژوهش‌ها و شناسایی مکاتب و هنرمندان خوشنویسی هموار کند. به نظر می‌رسد از میان هنرمندان طراز نخست، «ابوعلی محمد بن علی بن حسین الفارسی» از اهالی فارس مشهور به «ابن‌مقله بیضاوی» هنرمند و ادیب نامی قرن سوم هجری قمری بیش از دیگر هنرمندان در ساماندهی و ابداع خط مذهب نقاش داشته و بیشگام نهضت خوشنویسی محسوب می‌شود. ایشان با اتکا بر هندسه، خط و خوشنویسی ا زاحت قاعده و انتظام درآورد و قواعد زیبایی‌شناسی خطوط را تدوین و اقلام سته را وضع کرد. به گفته ابوحیان ثوحیدی، «ابن‌مقله پیغمبر خط است؛ همچنان‌که زنبور عسل در ساختن خانه‌های سدس خود ملهم شده، دست او هم خط را قالب‌بریزی کرده است». در کتب تاریخی نقل شده است که ابن‌مقله مدتی در دربار خلفای عباسی در بغداد وزیر بود و به واسطه حسادت‌ها و مسائل دیگر، دست راستش را قطع می‌کنند، اما با دست دیگر تکامل خط را سامان داده است. ولادتش را ۲۸ شوال سال ۲۷۲ قمری مصادف با ۱۶ فروردین وفوت و به تعبیری شهادتش را ۱۰ شوال ۳۳۸ قمری مصادف با دوم مرداد نوشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر سالروز تولد یا سال‌مرگ چنین شخصیت ممتازی روز خوشنویسی نام‌گذاری شود، سزوارتر است و با اتکه این خوشنویس صاحب سبک در بغداد زسته، جهان عرب حساسیتی به این هنرمند ایرانی نداشته، لذا برای ثبت جهانی این روز در یونسکو مناسب‌تر از سایر هنرمندان به نظر می‌رسد. شایسته است نام‌گذاری «روز ملی خوشنویسی»

در نخستین جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد تا این مناسبت در تقویم رسمی کشور ثبت و ضبط شود. به نظر می‌رسد نظام آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور برنامه مدونی برای آموزش و توسعه هنر خوشنویسی ندارند. ظاهراً تنها کارشناسی رشته خوشنویسی در دانشگاه جامع علمی کاربردی دایر است. همچنین در واحدهای درسی برخی رشته‌های دانشگاهی هنر، نظیر کتاب‌آزایی نیز فرصل‌هایی به این موضوع اختصاص یافته است، اما شایسته آن است که رشته خوشنویسی با گرایش‌های تخصصی، با رعایت ضوابط کمی و کیفی در پدئزش استاد و دانشجو و نیز تدوین سرفصل‌ها و منابع و درس‌گفتارهای مناسب، در دانشکده‌های هنر راه‌اندازی شود. پیشنهاد می‌شود برای ساماندهی، پایش، حمایت‌های علمی، حقوقی و اجتماعی از جریان‌ها و تشکل‌های موجود در هنر خوشنویسی و هنرمندان خطاط، دبیرخانه مرکزی و کارگروه تخصصی خوشنویسی در فرهنگستان هنر دبیر شود تا با اتکا به خرد جمعی و تعاملات ملی و بین‌المللی، افزون بر ثبت جهانی این هنر ایرانی و روز خوشنویسی، زمینه‌های کاربست این هنر متناسب با نیازها و فناوری‌های جدید فراهم شود.

۱۰۰ساوی باچند؟

به سکوت برگزار خواهد کرد؟ انصاف باید داد که مطلقاً هیچ‌کدام از دولت‌های این ۴۶ سال با چالش‌هایی در این سطح که امروز دولت چهاردهم با آن روبه‌روست، روبه‌ر نبوده‌اند؛ حتی دولت‌های اوایل انقلاب که در برخی از استان‌ها با جنگ داخلی و در مرزها با اشغال و تجاوز دشمن یعنی روبه‌رو بودند. ولی به پشتوانه انرژی عظیمی که انقلاب آزاد کرده بود، مثل امروز، آن دشواری‌ها را علاج به نظر نمی‌رسیدند که دیدیم چه همت عجیبی از سوی مردم، همه آن دشواری‌ها گذشت. اما امروز؟ امروز با شرایطی متفاوت روبه‌رو هستیم. دولتی بر سر کار آمده که سخن از تعامل با جهان می‌زند و در مقابل، آن‌طور که انتظار می‌رفت، این دست‌و‌عامل با چهره گذشته‌ای روبه‌رو نشده که آخرین تجربه‌اش، موضع اتنادی خود در قبال جزایر ایرانی ما در خلیج فارس. از طرفی دولت همچنان درگیر انتخاب مدیرانی همسو است تا بتواند کارهایی را پیش ببرد و هنوز در بسیاری از استان‌ها و مدیریت‌های کلیدی، آن فردی که تمام و کمال با ایده‌های طرح‌شده از سوی رئیس‌جمهور همراه باشد، مستقر نشده است. قیمت ارز و سکه هم که مدام در حال پشت سر گذاشتن رکوردهای قبلی است. در موضوع پوشش و اینترنت هم که می‌تواند برای جامعه امیدبخش باشد، چندان نشانه‌های متفاوتی دیده نمی‌شود. قطعاً اینها چیزهایی نیست که رئیس‌جمهور بتواند به‌عنوان دستاورد در گزارشی سر سرورز بر آن تاکید کند. اما با این همه و با وجودی که شرایط می‌تواند دشوارتر هم بشود، یک نکته می‌توان به عینه دید: با وجود مواردی که در بالا آمد، جامعه نسبت به یک سال پیش در چنین روزهایی التهاب کمتری دارد. در دانشگاه‌ها آن جو یک سال پیش مشاهده نمی‌شود و در بین مردم، با وجود عدم لغو دستور برخورد‌های خیابانی، آن اضطرابی را که پس از وقایع نیمه دوم سال ۴۰۱ دیده می‌شد، شاهد نیستیم و این کوبی یک‌جورهایی نشانه اثرات همان پروژه وفاقی است که تلاش می‌شود به کمک آن، مردم زندگی بهتری داشته باشند. البته شاید دولت چهاردهم نتواند با عدد و رقم، گزارشی بدهد که بشود به موفقیت‌ها اشاره کرد، ولی گمان من آن است که اگر کشور در این ۹۰ روز باقی‌مانده تا وعده سرورز در خم بچوشد، انگاه از قول حافظ می‌توان گفت «که ای صوفی شراب آنکه شود صاف/ که در شیشه برآرد اربعمینی».

ایران دیگری وجود ندارد

باید این اشکال را در جای دیگری جست‌وجو کرد. در برابر، بسیاری از مردم که جزایر سه‌گانه را ندیده‌اند و نمی‌دانند کجاست، فقط به صرف اینکه جزئی از خاک ایران است، به هر قیمتی پای آن می‌ایستد و القای نام دیگری به جز خلیج فارس آنان را خشمگین خواهد کرد. مردم ایران نه قومی برگزیده‌اند و نه نژادی برترند. آنان می‌دانند مردمی معمولی‌اند با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود. آنچه مردم ایران به آن نیاز دارند، نه ستایش‌های دروغین است و نه تحقیرهای ناروا، آنان

خبر برگزیده

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به جشنواره چهل‌ویکم

جشنواره «تهران» فرزندان زمانه خویش است و نسبت به جهان اطراف بی تفاوت نیست

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیامی به چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه نوشت: «باز هم پاییز، آغاز فصل جشنواره‌ها و مهرماه، موعد سال تحویل فیلم کوتاه ایران فرارسید؛ جشنواره‌ای که باب «وفاقی» جامعه فیلم کوتاه کشور است؛ جامعه‌ای متکثر که خود رنگین‌کمانی از سلیقه‌ها را نمایندگی می‌کند و به شرط «آینه‌گی» این جشنواره و دیدن احوالات و روزگار خویش در آن، همه گرد خنوان این محفل قدیمی جمع خواهند شد و دیدار تازه خواهند کرد.

جشنواره‌هایی همچون فیلم کوتاه تهران از آن جهت اعتبار یافته‌اند که در هر دوره، فرزند زمانه خویش هستند؛ چنان‌که نمی‌توانند به جهان اطراف خود بی تفاوت باشند.

چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران هم ویژگی‌هایی دارد که خوشبختانه وام‌گرفته از جهان پیرامون خود است؛ جهانی که در آن علم و فناوری به پیشران تمدن‌های بشری مبدل شده است و خلاقان عرصه فناوری هر روز معجزه‌واره جدیدی عرضه می‌کنند که هوش مصنوعی متاخرترین آنهاست.



سینما هم البته در شعاع تأثیر هوش مصنوعی قرار گرفته و بیم و امیدهای فراوانی از نحوه استفاده از آن در هنر هفتم این روزها مطرح است. به همین دلیل جشنواره فیلم کوتاه تهران، برای نخستین بار در میان رویدادهای سینمایی کشور، با تأسیس بخش ویژه رقابتی هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، به این مهم توجه نشان داده و با استقبال مناسبی هم از سوی فیلم‌سازان خارجی و داخلی روبه‌رو شده است.

از سوی دیگر، زمانه، زمانه ارتباطات است و نمی‌توان در عرصه‌ای چون هنر سینما، در مرزهای جغرافیایی محصور شد. در چنین شرایطی، نگاه فرامرزی جشنواره چهل‌ویکم در انتشار فراخوان به ۱۲ زبان زنده دنیا و شناسایی و استفاده از ظرفیت‌های جدید و کمتر استفاده‌شده برای ارتباط با کشورهای هدف که نهایتاً موجب ارسال حدود ۱۴ هزار فیلم از ۱۵۱ کشور دنیا شده است، نشان می‌دهد سینمای ایران تحریم‌ناشدنی است.

ایجاد بخش ویژه «شاخه زیتون» برای ادای دین به مقاومت مردم مظلوم فلسطین و لبنان، بخش دیگری از «آینه‌گی» جشنواره فیلم کوتاه تهران است؛ توجه به جهان بی‌امونی است؛ گرچه محدود به این موضوع نشده است و در محتوای آثار نمایش داده‌شده در جشنواره، از پرداختن به مفاخر، قهرمانان و حماسه‌های ملی تا نقد و اشاره به آسیب‌های اجتماعی و دغدغه‌های معیشتی، همگی حکایت از بازتاب زمانه در جشنواره دارند.

البته وفاق بدون امید و امید بدون چشم‌اندازی از آینده‌ای روشن، بی‌معناست و شاید بهترین سکو برای خیال‌پردازی آتیله‌ای امیدوارکننده، همین جشنواره فیلم کوتاه تهران است که جوانان صاحبان اصلی آن هستند. پس چه حسن ختامی بهتر از همین شعار جشنواره در این دوره؟

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، پذیرای جهان خیال‌انگیز تو».
چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری مهدی آذریندار تا دوم آبان در پردیس سینمایی ملت در حال برگزاری است.